



معاونان و کارکنان مدرسه، به دلیل مشکلاتی که در رفتار آن‌ها می‌بینند، به مشاور ارجاع می‌دهند؛ یعنی آن‌ها مشاوره تسخیری دارند، مثل وکیل تسخیری! در واقع آن‌ها خودشان به مشاور مراجعه نمی‌کنند بلکه ارجاع داده می‌شوند که البته باز هم برای دانش‌آموزی که در این گونه جلسات مشاوره‌ای شرکت می‌کند، توفیقی اجباری است. دسته سوم از دانش‌آموزان هم هستند که نه مراجعه می‌کنند و نه ارجاع داده می‌شوند. اینجاست که باید از خودمان پرسیم نقش ما به‌عنوان مشاور مدرسه و تسهیل‌گر تربیت در ارتباط با این دانش‌آموزان چیست. این عده از دانش‌آموزان نقش مشاور و کارکرد مشاوره را چگونه درک می‌کنند؟ آیا این‌ها اصولاً تجربه‌ای از مشاور و مشاوره دارند؟ اگر چه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های کلی مشاوره در مدرسه، تمامی دانش‌آموزان را در بر می‌گیرد و برای مثال، برنامه‌های پیشگیری، رشد و سلامتی شامل تمام دانش‌آموزان می‌شود یا برنامه‌های آموزشی مدرسه همه دانش‌آموزان را تحت پوشش قرار می‌دهد، لازم است مشاور با این طیف از دانش‌آموزان ارتباط عمیق‌تر، ویژه‌تر و ملموس‌تری برقرار کند. ممکن است تصور شود که چنین کاری در حیطه وظایف مشاور مدرسه نیست اما باید توجه داشت که مشاور مدرسه برحسب وظیفه اخلاقی و شأن و جایگاه مشاوره‌ای‌اش، نمی‌تواند و نباید صرفاً به شرح وظایف خود اکتفا کند، که اگر چنین باشد همان نگاه کاهش‌گرایانه را خواهد داشت که فقط درمواقع بحرانی و ضروری باید مداخله کند. چنین رویکردی مدت‌هاست منسوخ شده و پاسخگوی نیازهای فعلی دانش‌آموزان و جامعه امروزی نمی‌تواند باشد.

به عبارت دیگر، مشاور نیز همانند پزشک در قبال جامعه بشری و در پیشگاه خداوند متعال مسئول است و بار مسئولیتی بس گران بر دوش دارد؛ رسالت حفاظت نوع بشر از ناملایمات روزگار و جلوگیری از آسیب‌های روانی بر دوش نسل بزرگسال به‌ویژه پزشک و مشاور است. حضرت امیر(ع) عبارت زیبایی را در مورد پیامبر به کار می‌بردند: عبارت «طیب دوار» و منظور از آن، این بود که پیامبر طبیعی حادث، حاضر و در دسترس است که در جمع مردم و بیماران قرار می‌گیرد و همه از گرمای وجودش بهره می‌برند. ما مشاوران هم بر خود لازم می‌دانیم که همچون

مشاورمون منو نجات داد؛ اگه اون نبود، بیچاره شده بودم.
 - مشاور...؟ نمی‌دونم اصلاً مشاورا چیکار می‌کنن تو مدرسه! مشاوره چیه؟
 - مشاور داریم. یه بار ما رو برای کنکور جمع کرد و باهامون درباره برنامه مطالعاتی صحبت کرد. یه جدول هم بهمون داد.
 - مشاور مدرسه قبلی مون یه بار مادرمو خواسته بود پهبش گفته بود دخترتون رفتارای پرخطر داره! اصلاً این یعنی چی؟ اصلاً چرا تو کار ما دخالت می‌کنی؟ به اونا چه مربوطه که ما با کی می‌گردیم؟
 - ما یکی دو بار چون معلمون گفته بود، رفتیم ببینیمش، تو اتاقش نبود.
 - آخه فایده نداره! مشکل ما با این چیزا حل نمیشه... [او می‌خندد!]
 - من هیچ‌وقت نتونستم به مشاور مدرسه‌مون اعتماد کنم.
 - مشاور ما هیچ‌وقت فرصت نمیده. وقت برامون نمیذاره.
 - مشاوره خیلی خوبه به نظر من مشاور سنگ‌صبور خوبیه. رازداره، من مشاور مدرسه‌مونو خیلی دوست دارم. منو خیلی خوب درک می‌کنه و از پدر و مادرم برام بهتره؛ یعنی خیلی حالیشه، اون چشمو به روی زندگی باز کرده.
 - من اصلاً به مشاور مراجعه نکردم و چیزی هم از اون نمی‌دونم.
 - یه دفعه باهاش حرف زدم. بعداً معاونمون همه حرفامو آورد گذاشت کف دستم! بعدشم مادرم دعواش کرد.
 بعضی از این جملات منفی و مایوس‌کننده‌اند ولی اظهاراتی واقعی و نگرش کسانی هستند که مشاوره را تجربه نکرده‌اند یا برداشت نادرستی از مشاور مدرسه دارند و یا...
 نگاه سنتی به مشاور مدرسه این است که در دفتر کار خود حاضر باشد تا کسانی که مشکل دارند، به سراغ او بروند از او خدماتی را دریافت کنند. این نگاه، نگاهی کاهش‌گرایانه است و گرایش به سمت جبران دارد. با این نگاه، یعنی رویکرد جبرانی، فقط گروه‌های خاص از مشاوره بهره می‌برند. برخی از دانش‌آموزان به دلیل مشکلات خاصی که با آن‌ها روبه‌رو هستند، به‌طور خودانگیخته به مشاور مراجعه می‌کنند و پیگیر مسائل خود می‌شوند. برخی دیگر از دانش‌آموزان را والدین، معلمان، مدیر یا



دوار

حاضر شود و... می توان حتی بدون اصرار به حاضر شدن سر کلاس، در حیاط مدرسه قدم زد و به دانش آموزان فرصت داد تا طرح مسئله کنند. زنگ‌های تفریح نیز می تواند چنین کارکردی داشته باشد؛ یعنی یک زنگ تفریح را با همکاران و در کنار آن‌ها باشیم و زنگ تفریح یا تفریح‌های دیگر را به دانش آموزان اختصاص دهیم و با آن‌ها بگذرانیم. همچنین، در صورت امکان می توانیم از سیستم تلفن پاسخگو برای تسهیل ارتباط با بچه‌ها بهره ببریم. به هر حال، طرح مسائل چالش برانگیز و پرسش از دانش آموزان از جمله ساده‌ترین فعالیت‌هایی است که در این بستر می تواند به ما در دستیابی به مقصود و منظورمان کمک کند.

تابلوی مشاوره مدرسه که معمولاً در راهرو مدرسه‌ها نصب شده و در معرض دید همه دانش آموزان قرار دارد، بستری دیگر برای تحقق بخشیدن به این منظور است. می توانیم در این تابلو هم مطالب مفیدی به دانش آموزان ارائه دهیم (مثلاً با عنوان پیام مشاور) و هم از دانش آموزان بخواهیم مسائل خود را با ما در میان بگذارند و مهم‌تر اینکه خواسته‌ها و انتظاراتشان را از مشاور و مشاوره مطرح کنند. در بطن این سؤال مسائل زیادی نهفته است؛ تصور دانش آموزان از مشاوره و مشاور چیست؟ تا چه حد در این باره منطقی، مسئولانه و واقع بینانه فکر می کنند؟ کمبودهای دانش آموزان بیشتر در چه زمینه‌ای است و ما چگونه می توانیم در برقراری رابطه با آن‌ها کارایی بالاتری داشته باشیم؟ در واقع، می توانیم از خودشان بپرسیم که نیازشان چیست و از نظر آن‌ها شرح وظایف مشاوران چه کاستی‌هایی دارد؟ و...

تشکیل پرونده تشخیص بالینی مورد دیگری است که می تواند به مشاور کمک کند تا بچه‌های در معرض آسیب و آسیب‌پذیر را شناسایی کند و به کمک آن‌ها بشتابد.

شما در این باره چه فکر می کنید و چه قدم‌هایی برداشته‌اید؟ در صورت تمایل می توانید نظرات خود و راهکارهایی را که در این باره دارید، با ما در میان بگذارید تا با تعامل و هم‌فکری ان شاء الله آن‌ها را سازماندهی و منسجم کنیم و در نهایت، به برنامه‌ای جامع در این زمینه برسیم.

طبيب دوار این دسته از دانش آموزان را از نظر دور نداریم و دست کم به آن‌ها نشان دهیم که متوجه‌شان هستیم و از آن‌ها به قدر کافی حمایت می کنیم.

در یکی دو دهه اخیر سرمای عجیبی بر سر روابط انسانی نسل‌های جدید آوار شده و یخ‌های رابطه بین فردی در حال شکل‌گیری و ضخیم شدن است. فردگرایی و تفرّد نگران‌کننده، در لاک تنهایی خزیدن فزاینده، واحساس تنهایی شدیدی بر سر راه فرزندان ما چمباتمه زده است و...

اسباب این سوز و سرمای ارتباطی چیست؟ فرهنگ مهاجم غربی یا فناوری اعتیادآور و به انزوا کشاننده به اصطلاح تفریحی و ارتباطی و رسانه‌های مثلاً جمعی یا اشتغال مادرها (اشتغال خارج از حد) در بیرون از خانه و یا تک‌والدینی شدن بچه‌ها، خلوت شدن خانواده‌ها و کم شدن اعضای آن‌ها یا مجموعه این‌ها؟ به هر تقدیر، روزنامه‌ها، مجله‌های مختلف، رسانه‌های شنیداری و دیداری که این خطر را در یافته‌اند، پایه گفتمان هشداری اندازی خود را بر فرضیه گسترش ضخامت این یخ‌ها گذاشته‌اند و بازگشت به آن شور و شوق و نشاط شرقی را که از آفتاب ادبیات دینی و عرفانی ما همواره درونمان را گرما می‌بخشید، آرزو می‌کنند.

اما چرا راه دور می‌رویم؟ ما مشاوران مدارس که به اقتضای حرفه و رسالتمان استاد ماهر ارتباطات و تسهیل‌گر روابط بین فردی هستیم، آیا در ذوب کردن یخ‌های رابطه خودمان با بچه‌ها در جهت پیشگیری از گسترش پدیده یادشده کاری کرده‌ایم یا راهبردی ابداع نموده‌ایم؟ خود ما در این به اصطلاح تخصص و وظیفه واقعی‌مان حداقل در برقراری ارتباط با دانش آموزان چه کرده‌ایم؟ چه راهکارها و راهبردهایی را می‌توانیم به کار بگیریم تا با این طیف از دانش آموزان نیز ارتباط برقرار کنیم؟ در نخستین قدم، شاید بتوانیم از ساعت‌های آموزش - که احياناً در اختیارمان گذاشته می‌شود - استفاده کنیم. چنین زمان‌هایی بستری مناسب برای شناخت بهتر دانش آموزان و برقراری ارتباط با آن‌ها، خصوصاً دانش آموزان دسته سوم، فراهم می‌کند. بستر دیگر برای ایجاد ارتباط، ساعت‌های خالی به اصطلاح پنجره‌های خالی برنامه درسی است. در چنین زمان‌هایی، مثلاً وقت‌هایی که کلاس تشکیل نمی‌شود یا دبیری نمی‌تواند سر کلاس